

گزارش

تفاوت‌ها و شباهت‌های حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر

● حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر بین‌الملل دو نظام حقوقی متمایز از یکدیگر و درعین‌حال مکمل هم هستند. هر دو نظام دغدغه حمایت از جان، سلامت و کرامت افراد را دارند. حقوق بین‌المللی بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه به کار می‌رود. درحالی‌که حقوق بشر ناظر بر تمامی زمان‌ها؛ چه در جنگ و چه در صلح است.هر دو حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه اعمال می‌شوند. تفاوت اصلی در کاربرد آنها در آن است که حقوق بشر بین‌الملل به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا چنانچه با شرایط اضطراری مواجه شدند تعدادی از حقوق انسانی را به حالت تعلیق درآورند.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه را نمی‌توان به حالت تعلیق درآورد (مگر در شرایط عنوان‌شده در ماده ۵ کنوانسیون چهارم ژنو).باوجوداین، دولت‌ها نمی‌توانند حقوق اساسی خاصی را که باید در تمامی شرایط محترم شمرده شوند به حالت تعلیق درآورند. از این حقوق عبارت‌اند از: حق حیات، ممنوعیت شکنجه و مجازات یا رفتار غیرانسانی، ممنوعیت برده‌داری و کار اجباری، اصل مشروعیت و عطف به ماسبق‌نشدن قانون و حق آزادی اندیشه، عقیده و مذهب.دولت‌ها برای احترام و پیاده‌سازی حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر مسئولیت حقوقی دارند. پذیرش حقوق بین‌المللی بشردوستانه مستلزم آن است که دولت‌ها قوانین ملی مربوط به پیاده‌سازی الزامات این حقوق را معرفی کرده و ارتش خود را در این زمینه آموزش داده و افرادی که این حقوق را نقض کنند به پای میز محاکمه بکشانند. حقوق بشر نیز حاوی مفادی است که دولت‌ها را ملزم به وضع قوانین و انجام اقدامات مناسب با پیاده‌سازی قواعد آن و مجازات ناقضان می‌کند. حقوق بین‌المللی بشردوستانه بر مبنای کنوانسیون‌های ژنو و لاهه، پروتکل‌های الحاقی و مجموعه معاهدات حاکم بر ابزار و روش‌های جنگ‌افروزی مانند معاهدات منع سلاح‌های لیزری کورکننده، مین‌های زمینی و سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی و همین‌طور حقوق عرفی قرار داده شده است. حقوق بشر بین‌الملل پیچیدگی بیشتری داشته و برخلاف حقوق بین‌المللی بشردوستانه، معاهدات منطقه‌ای را شامل می‌شود. مهم‌ترین سند حقوقی بین‌المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر است که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ تصویب شد. دیگر معاهدات جهانی عبارت‌اند از: پیمان جهانی حقوق سیاسی و مدنی، پیمان جهانی حقوق فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و همچنین معاهدات مربوط به پیشگیری و مجازات شکنجه و دیگر اشکال ظلم، رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز، معاهدات مربوط به حذف تبعیض نژادی و تبعیض علیه زنان یا معاهدات مربوط به حقوق کودک.منشورها یا کنوانسیون‌های منطقه‌ای مختلفی نیز درخصوص حقوق بشر در اروپا، آمریکای شمالی و جنوبی، آفریقا و کشورهای عربی به تصویب رسیده است. در شرایط درگیری مسلحانه، حقوق بشر حمایت‌های ارائه‌شده توسط حقوق بین‌المللی بشردوستانه را کامل و تقویت می‌کند.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه چه زمانی اعمال می‌شود؟

حقوق داخلی و حقوق بشر هر دو به تمامی انواع خشونت اعمال‌پذیرند. درحالی‌که حقوق بین‌المللی بشردوستانه تنها در شرایطی اعمال‌پذیر است که به سطح درگیری مسلحانه برسند.در اینجا ذکر این نکته لازم است که واژگان «درگیری مسلحانه» و «جنگ» معمولاً به‌جای یکدیگر به کار برده می‌شوند. اما در حقوق بین‌المللی بشردوستانه عبارت «درگیری مسلحانه» به دلیل دامنه گسترده‌تری که دارد، ارجحیت دارد. می‌توان گفت وضعیت درگیری مسلحانه هنگامی وجود دارد که دو دولت مخالف به نیروی مسلح متوسل می‌شوند، حتی هنگامی که هیچ‌گونه اعلان رسمی جنگ هم اتفاق نیفتاده باشد یا حتی هنگامی که طرفین درگیر در مخاصمات این حقیقت را که در وضعیت درگیری مسلحانه هستند تأیید نکنند.حقوق بین‌المللی بشردوستانه میان دو نوع از درگیری‌های مسلحانه نیز تمایز قائل می‌شود: درگیری مسلحانه بین‌المللی و درگیری مسلحانه غیربین‌المللی.

مجموعه قواعد مختلف حقوق بین‌المللی بشردوستانه در شرایط مختلف درگیری مسلحانه به کار می‌رود.

در حین درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، هر چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو به همراه پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (پروتکل الحاقی اول ۸ ژوئن ۱۹۷۷) اعمال می‌شوند. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو عبارت‌اند از:
– کنوانسیون اول، حمایت از زخمیان و بیماران نیروهای مسلح در میدان نبرد
– کنوانسیون دوم، حمایت از زخمیان، بیماران و کشتی‌شکستگان عضو نیروهای مسلح در دریا
– کنوانسیون سوم، حمایت از اسرای جنگی
– کنوانسیون چهارم، حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ.می‌توان گفت که یک درگیری مسلحانه بین‌المللی زمانی حادث شده است که فارغ از دلایل یا شدت مقابله، یک یا چند دولت در رویارویی علیه دولت دیگری به نیروی مسلح متوسل شده‌اند.

ادامه در صفحه ۱۳

(تاریخچه وشمول)

۱- **حقوق بین‌المللی بشردوستانه:**حقوق بین‌المللی بشردوستانه (IHL) روابط میان دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و سایر نهادهای مشمول حقوق بین‌الملل را تنظیم می‌کند. این قانون، شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی بوده و مشتمل بر مجموعه قواعدی است که طی درگیری‌های مسلحانه به دلایل بشردوستانه درصدد است تا از اشخاصی که مستقیماً در مخاصمه شرکت ندارند یا دیگر در آن شرکت نمی‌کنند حمایت کرده و همچنین ابزار و روش‌های جنگ را محدود کند. به عبارت دیگر، حقوق بین‌المللی بشردوستانه مشتمل بر قواعد معاهداتی یا عرفی بین‌المللی (قواعد حاصل از شیوه‌های عملی کشور و مورد رعایت بر اساس حس تعهد) است که هدف اصلی آن حل‌وفصل مشکلات بشردوستانه‌ای است که مستقیماً از درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی یا غیربین‌المللی ناشی می‌شوند.

۲- **ضرورت نظامی و بشردوستی:** حقوق بین‌المللی بشردوستانه نوعی وفاق میان دو اصل متضمن بشردوستی و ضرورت نظامی است. این دو اصل شکل‌دهنده قواعد آن هستند. اصل ضرورت نظامی صرفاً میزان و نوع نیروی لازم برای تحقق هدف مشروع یک درگیری؛ یعنی تسلیم کامل یا جزئی دشمن در کمترین زمان ممکن با حداقل هزینه جانی و مالی را معین می‌کند. البته این امر اتخاذ تمهیداتی که بر اساس حقوق بین‌المللی بشردوستانه در شرایط غیر از این ممنوع خواهد بود را مجاز نمی‌دارد. اصل بشردوستی ایجاد درد و رنج، جراحت یا تخریب غیرضروری را در راستای تحقق اهداف مشروع درگیری‌ها مجاز نمی‌دارد.

۳- **قواعد ضروری حقوق بین‌المللی بشردوستانه:**طرف‌های درگیری باید برای نجات جان غیرنظامیان و اموال غیرنظامی همواره بین غیرنظامیان و نظامیان تمایز قائل شوند. امکان حمله به جمعیت غیرنظامی یا افراد غیرنظامی وجود ندارد. صرفاً می‌توان به اهداف نظامی حمله کرد. طرف‌های درگیری از حق نامحدود انتخاب روش یا ابزار جنگ برخوردار نیستند. استفاده از دسته از ابزار یا روش‌های جنگی کور ممنوع است، همچنین استفاده از سلاح‌هایی که جراحت بیش از اندازه ضرورت یا درد و رنج بی‌مورد را ایجاد می‌کنند. مجروح‌کردن یا کشتن متخاصمی که تسلیم شده یا کسی که دیگر قادر به شرکت در نبرد نیست ممنوع است. آن دسته از کسانی که نمی‌خواهند یا نمی‌توانند دیگر در مخاصمات شرکت کنند نیز بر این اساس جان نجات و صحت جسمی و روانی‌شان محترم است. این دسته از افراد باید در تمامی شرایط تحت حمایت بوده و بر اساس قوانین بشردوستانه و بدون هرگونه تمایز سنی با آنها رفتار شود. به محض آنکه شرایط اجازه دهد، جست‌وجو برای یافتن مجروحان و بیماران و جمع‌آوری و مراقبت از ایشان باید انجام شود. پرسنل و امکانات درمانی، ترابری و تجهیزات نیز باید از حمله مصون بمانند. علامت صلیب سرخ، هلال‌احمر یا کریستال سرخ روی زمینه‌ای سفید رنگ علامت تمایزکننده‌ای است که نشان می‌دهد افراد و اهداف مربوطه نباید مورد حمله قرار گیرند.

بازرزان و غیرنظامیانی که اسیر می‌شوند و تحت اختیار طرف مقابل قرار می‌گیرند مشمول حفظ جان و احترام به کرامت، حقوق شخصی و باورهای سیاسی، مذهبی و دیگر باورهای خود قرار می‌گیرند. این دسته از افراد می‌بایست در برابر تمامی اقدامات خشونت‌آمیز یا تلافی‌جویانه حمایت شوند. آنها از حق مبادله خبر با بستگان خود و دریافت کمک برخوردارند. ضمانت‌های قضائی اولیه ایشان نیز باید در تمامی اقدامات جزائی اقامه‌شده علیه ایشان رعایت شود.

۴- **سرمشا حقوق بین‌المللی بشردوستانه:**تلاش‌هایی از زمان باستان برای حمایت از افراد در برابر بدترین آثار و تبعات جنگ انجام شده است. البته، تا نیمه دوم قرن نوزدهم که معاهدات بین‌المللی درخصوص تنظیم قوانین ناظر بر جنگ، اعم از حقوق قربانیان درگیری‌های مسلحانه و حمایت از ایشان منعقد شد این امر نمودی نداشت.

دو نفر در ظهور حقوق بین‌المللی بشردوستانه امروزی نقشی حیاتی ایفا کردند: هانری دونان، تاجر سوئیس و گیوم آرنی دوفور، یک افسر ارتش سوئیس.

در سال ۱۸۵۹ میلادی، دونان در حین سفر به ایتالیا، شاهد درد و رنج پس از نبرد سولفرینو بود. پس از

بازگشت به ژنو، او تجربیات خود را در کتابی موسوم به خاطره‌ای از سولفرینو به رشته تحریر درآورد که در سال ۱۸۶۲ میلادی منتشر شد. ژنرال دوفور که خود از جنگ سرشته داشت، فوراً پشتیبانی معنوی فعالی از ایده‌های دونان بالاخص از طریق ریاست همایش دیپلماتیک ۱۸۶۴ میلادی را که طی آن نخستین کنوانسیون منعقد شد صورت داد.

بشردوستانه:طرف‌های درگیری باید برای نجات جان غیرنظامیان و اموال غیرنظامی همواره بین غیرنظامیان و نظامیان تمایز قائل شوند. امکان حمله به جمعیت غیرنظامی یا افراد غیرنظامی وجود ندارد. صرفاً می‌توان به اهداف نظامی حمله کرد. طرف‌های درگیری از حق نامحدود انتخاب روش یا ابزار جنگ برخوردار نیستند. استفاده از دسته از ابزار یا روش‌های جنگی کور ممنوع است، همچنین استفاده از سلاح‌هایی که جراحت بیش از اندازه ضرورت یا درد و رنج بی‌مورد را ایجاد می‌کنند. مجروح‌کردن یا کشتن متخاصمی که تسلیم شده یا کسی که دیگر قادر به شرکت در نبرد نیست ممنوع است. آن دسته از کسانی که نمی‌خواهند یا نمی‌توانند دیگر در مخاصمات شرکت کنند نیز بر این اساس جان نجات و صحت جسمی و روانی‌شان محترم است. این دسته از افراد باید در تمامی شرایط تحت حمایت بوده و بر اساس قوانین بشردوستانه و بدون هرگونه تمایز سنی با آنها رفتار شود. به محض آنکه شرایط اجازه دهد، جست‌وجو برای یافتن مجروحان و بیماران و جمع‌آوری و مراقبت از ایشان باید انجام شود. پرسنل و امکانات درمانی، ترابری و تجهیزات نیز باید از حمله مصون بمانند. علامت صلیب سرخ، هلال‌احمر یا کریستال سرخ روی زمینه‌ای سفید رنگ علامت تمایزکننده‌ای است که نشان می‌دهد افراد و اهداف مربوطه نباید مورد حمله قرار گیرند.

بازرزان و غیرنظامیانی که اسیر می‌شوند و تحت اختیار طرف مقابل قرار می‌گیرند مشمول حفظ جان و احترام به کرامت، حقوق شخصی و باورهای سیاسی، مذهبی و دیگر باورهای خود قرار می‌گیرند. این دسته از افراد می‌بایست در برابر تمامی اقدامات خشونت‌آمیز یا تلافی‌جویانه حمایت شوند. آنها از حق مبادله خبر با بستگان خود و دریافت کمک برخوردارند. ضمانت‌های قضائی اولیه ایشان نیز باید در تمامی اقدامات جزائی اقامه‌شده علیه ایشان رعایت شود.

۵- تأثیر جنگ‌های جهانی بر حقوق بین‌المللی بشردوستانه:

در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴–۱۹۱۸)، روش‌های نبرد، اعم از روش‌های نه چندان جدید در مقیاسی غیرقابل تصور استفاده شد. روش‌های مزبور عبارت بودند از گاز سمی، نخستین بمباران هوایی و گرفتن صدها هزار اسیر جنگی. معاهدات ۱۹۲۵ و ۱۹۲۹ واکنشی به این دسته از رخدادهای جدید بود.

در جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹–۱۹۴۵)، غیرنظامیان و پرسنل نظامی به تعداد یکسان کشته شدند. در حالی که این نسبت در جنگ جهانی اول یک به ۱۰ بود. در سال ۱۹۴۹، جامعه جهانی با بازبینی کنوانسیون‌های معتبر در آن زمان و تصویب سند جدیدی موسوم به کنوانسیون چهارم ژنو برای حمایت از غیرنظامیان به این نرخ بالای فجایع انسانی و بالاخص تأثیرات وحشتناک جنگ بر غیرنظامیان واکنش نشان داد.

کنوانسیون ژنو برای بهبود شرایط مجروحان جنگی در سال ۱۸۶۴ تصویب شد. این کنوانسیون در سال‌های ۱۹۰۶ و ۱۹۲۹ مورد بازبینی و توسعه قرار گرفت. کنوانسیون دیگری در ارتباط با رفتار با اسرای جنگی نیز در سال ۱۹۲۹ تصویب شد. در سال ۱۹۳۴ میلادی، پانزدهین همایش بین‌المللی صلیب سرخ در توکیو برگزار شد و متن یک کنوانسیون بین‌المللی که پیش‌نویس آن توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تهیه شده بود درخصوص حمایت از غیرنظامیان با ملت دشمن در قلمرو متعلق به طرف رقیب یا تحت اشغال آن به تصویب رسید.

حقوق بشر

کنوانسیون‌های ژنو و حقوق بین‌المللی بشردوستانه



در سال ۱۹۹۸، بازداشتی‌های لبنانی تحت نظارت کمیته صلیب سرخ آزاد شدند

هیچ اقدامی درخصوص متن مزبور انجام نشد و دولت‌ها از حضور در همایش دیپلماتیک برای تصمیم‌گیری جهت تصویب آن خودداری کردند. در نتیجه، مقررات مندرج در پیش‌نویس توکیو در جنگ جهانی دوم موضوعیت نیافت. صرفاً در سال ۱۹۴۹ و پس از پایان جنگ بود که دولت‌ها چهار کنوانسیون ژنو را تصویب کردند که همچنان به‌عنوان سنگ بنای حقوق بین‌المللی بشردوستانه شناخته می‌شود. در حالی که سه کنوانسیون اول ژنو از دل معاهدات موجود در زمینه موضوعات مشابه برآمده بودند، اما کنوانسیون چهارم ژنو کاملاً جدید بوده و نخستین معاهده حقوق بین‌المللی بشردوستانه در زمینه حمایت از غیرنظامیان در درگیری‌های مسلحانه محسوب می‌شد. شمار کشته‌شدگان غیرنظامی در جنگ جهانی دوم یکی از دلایل تهیه و تنظیم و تصویب این معاهده بود.

۶- کاربرد حقوق بین‌المللی بشردوستانه در چه مواقعی است؟

حقوق بین‌المللی بشردوستانه صرفاً در درگیری‌های مسلحانه کاربرد داشته و دو نظام حمایتی را پیشنهاد می‌کند: یکی برای درگیری مسلحانه بین‌المللی و دیگری غیربین‌المللی. بر این اساس قواعد اعمال‌پذیر در وضعیت‌های خاص به طبقه‌بندی درگیری مسلحانه بستگی دارد.

الف- درگیری مسلحانه بین‌المللی (IAC): این درگیری‌ها زمانی رخ می‌دهد که یک یا چند کشور به استفاده از زور علیه کشور دیگری متوسل شوند. درگیری مسلحانه میان یک کشور و یک سازمان بین‌المللی نیز درگیری مسلحانه بین‌المللی دانسته می‌شود.

نبردهای آزادی‌خواهانه ملی که در آن مردم علیه نیروهای استعماری و اشغال خارجی و رژیم‌های نژادپرست برای اعمال حق تعیین سرنوشت خود نبرد می‌کنند، تحت برخی شرایط به‌عنوان درگیری‌های مسلحانه بین‌الملفی محسوب می‌شوند (رجوع به بند ۴ ماده ۱ و بند ۳ ماده ۹۶ پروتکل اول الحاقی).

ب- درگیری مسلحانه غیربین‌المللی (NIAC): امروزه بسیاری از درگیری‌های مسلحانه ماهیتی غیربین‌المللی دارند. درگیری مسلحانه غیربین‌المللی یکی از درگیری‌های مسلحانه است که در آن مخاصمات میان نیروهای مسلح یک کشور و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته غیردولتی یا میان این دسته از گروه‌ها رخ می‌دهد. برای اینکه مخاصمات را بتوان غیربین‌المللی تلقی کرد، شدت آنها باید به سطح خاصی برسد و گروه‌های درگیر نیز باید از سازمان‌یافتگی کافی برخوردار باشند.

معاهدات حقوق بین‌المللی بشردوستانه بر اساس معنی ماده سوم مشترک میان درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی تمایز قائل است و این‌گونه مخاصمات در چارچوب تعریف ماده ۱ پروتکل دوم الحاقی قرار می‌گیرند.

● ماده سوم مشترک درخصوص درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی رخ‌داده در قلمرو یکی از دولت‌های متعاهد مصداق دارد که عبارت‌اند از درگیری‌های مسلحانه‌ای که حین آنها یک یا چند گروه

مسلح سازمان‌یافته غیردولتی درگیر هستند. درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی ممکن است میان نیروهای مسلح دولتی و گروه‌های مسلح غیردولتی سازمان‌یافته یا صرفاً میان این گروه‌ها رخ دهد.
● پروتکل دوم الحاقی درباره آن دسته از درگیری‌های مسلحانه‌ای مصداق دارد که در قلمرو یکی از دولت‌های معظم در قرارداد میان نیروهای مسلح آن کشور و نیروهای مسلح غیررسمی یا سایر گروه‌های مسلح سازمان‌یافته‌ای رخ می‌دهد که تحت فرماندهی مسئول، کنترل بخشی از قلمرو را در اختیار داشته و از امکان عملیات نظامی پایدار و هماهنگ و اجرای این پروتکل برخوردارند (رجوع به بند ۱ ماده ۱ پروتکل دوم الحاقی). تعریف NIAC در پروتکل اول الحاقی از دو لحاظ محدودتر از مفهوم NIAC بر اساس ماده سوم مشترک است.

۱- به معرفی لزوم کنترل قلمرو از این طریق می‌پردازد که گروه‌های مسلح غیردولتی سازمان‌یافته باید این کنترل بر قلمرو را به‌گونه‌ای در اختیار داشته باشند که از امکان عملیات نظامی پایدار و هماهنگ و اجرای این پروتکل برخوردار شوند.

۲- پروتکل دوم الحاقی صریحاً و صرفاً به درگیری‌های مسلحانه میان نیروهای دولتی و غیردولتی یا سایر گروه‌های مسلح سازمان‌یافته اشاره می‌کند. برخلاف ماده سوم مشترک، این پروتکل در زمینه درگیری‌های مسلحانه میان گروه‌های مسلح سازمان‌یافته غیردولتی مصداق ندارد.

در این زمینه، باید به یاد داشت که پروتکل دوم الحاقی ماده سوم مشترک را «بدون اصلاح شرایط کاربردی موجود آن توسعه داده و تکمیل می‌کند» (رجوع به بند ۱ ماده ۱ پروتکل دوم الحاقی). این به آن معنی است که تعریف متمایز مربوطه، صرفاً مرتبط با کاربردی پروتکل دوم الحاقی بوده و به‌طورکلی درباره قانون NIAC مصداق ندارد.

۷- **نتیجه‌گیری:** کنوانسیون اولیه ژنو «برای بهبود شرایط مجروحان جنگی در میدان نبرد» در سال ۱۸۶۴ مصوب شد که سرآغازی بر حقوق بین‌المللی بشردوستانه محسوب می‌شود. معاهدات متعددی متعاقب کنوانسیون یادشده مصوب شده است که همه آنها متضمن اصل پایه ذیل هستند:

جنگ باید در چارچوب حدود مشخصی واقع شود که رعایت این حدود برای حفظ جان و کرامت نوع بشر ضروری است. ماییت جنگ از زمان تصویب معاهده اولیه در ژنو در سال ۱۸۶۴ میلادی در ۱۵۰ سال پیش، دستخوش تغییرات گسترده‌ای شده است. درگیری‌های مسلحانه امروزی بیشتر درون دولت‌ها رخ می‌دهند تا میان دولت‌ها. ابزار و روش‌های نبرد به‌قدری پیچیده شده‌اند که نیاکان ما به‌سختی می‌توانستند آنها را درک کنند. سلاح‌های خودکار مانند هواپیماهای بدون سرنشین، نمونه‌ای از این دست هستند. بر این اساس، طرح این پرسش معقول به نظر می‌رسد که آیا حقوق بین‌الملل بشردوستانه با همه این تغییرات همراه بوده است؟

پاسخ ما این است که همراه بوده است: اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه همچون همیشه مربوط بوده و در واقع حقوق بین‌المللی بشردوستانه در واکنش به پیشرفت‌های حاصل‌شده در درگیری‌های مسلحانه، روند رو به تکاملی را طی کرده و به این روند همچنان ادامه می‌دهد. در ۱۵۰ سال گذشته، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ فعالانه به تقویت حقوق بین‌المللی بشردوستانه و به‌روزرسانی آن مبادرت کرده است. با این همه، ناگزیر باید با این حقیقت روبه‌رو شد که درگیری‌های مسلحانه همچنان به قیمت جان انسان‌ها تمام می‌شود و در این میان افراد غیرنظامی بیشترین آسیب را از این بابت متحمل می‌شوند.

آزمون واقعی پیش‌روی حقوق بین‌الملل بشردوستانه این است که آیا طرف‌های درگیر و فرماندهان ایشان از این دسته از قواعد پیروی می‌کنند یا خیر. به همین دلیل است که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تلاش درخور توجهی را برای احترام بیشتر به حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حصول اطمینان از اجرا و اعمال آن انجام می‌دهد. در نهایت، آنچه در این میان واری اقدامات بشردوستانه با حقوقی مورد نیاز است، اراده سیاسی برای امان‌دادن به غیرنظامیان و احترام به حقوق بین‌المللی بشردوستانه است.



قرارداد ۱۳۶۰ / کمک ایران وعراق بازگشت اسرای جنگی



جنگ افغانستان سال ۱۹۸۶

روزنه

مخاصمات مسلحانه و چالش‌های موجود برای اقدام بشردوستانه

● مخاصمات مسلحانه و دیگر شرایط خشونت‌آمیز در سال ۲۰۱۸ میلیون‌ها نفر در سراسر جهان، مثلاً در جمهوری عربی سوریه، سودان جنوبی، عراق، یمن و در منطقه شمالی آمریکای مرکزی را تحت تأثیر قرار داد. درحالی‌که برخی از مخاصمات به‌شدت توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرد، برخی دیگر تا حد زیادی نادیده گرفته شد. در تمامی چنین درگیری‌هایی، مردم با مشکلات جان‌فرسا روبه‌رو و مجبور شدند تصمیمات دشواری بگیرند و در رویارویی با سخت‌ترین شرایط توانستند تاب‌آوری و ابتکار بالایی از خود نشان دهند. امروزه، محیط‌های عملیاتی نشانی از آثار فراینده و فراگیر درگیری‌ها را در خود دارد. مشخصه آن هم بی‌ثباتی و انتقال ناگهانی قدرت است. درحالی‌که مناطق درگیری ناکه‌دسترسی کمی به آنها وجود دارد، کماکان مناطق روستایی هستند، جنگ در مناطق شهری و نیز در قلمرو دیجیتال نیز زیانه می‌کشد و شاهد افزایش ائتلاف‌ها و جنگ‌ها هستیم. تسلیحات متعارف در همه‌جا هستند و دسترسی بیشتری به سلاح‌های جدیدی مانند تسلیحات خودکار به وجود آمده است. مهاجرت ناشی از خشونت هم در حال اوج‌گرفتن است. درگیری‌های طولانی‌مدت در هنجاری جدید تبدیل شده‌اند. این قبیل مخاصمات شیره جان جوامع مختلف را می‌مکد؛ یعنی مانع دسترسی به خدمات ضروری شده، زیرساخت‌ها را تخریب یا نابود می‌کند و نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موجب در تضعیف می‌کند. در چنین شرایطی ممکن است برای چندین دهه به اقدامات بشردوستانه نیاز باشد. مردمی که در جوامع محلی خسارت‌دیده زندگی می‌کنند، نیازها و اولویت‌هایی فوری و بلندمدت دارند. آنها می‌خواهند در امنیت زندگی کنند، کودکان خود را به مدرسه بفرستند و مخرج زندگی خود را تأمین کنند. پیامدهای بشردوستانه مخاصمات طولانی‌مدت در جاهایی مانند افغانستان، جمهوری آذربقای مرکزی، جمهوری دموکراتیک کنگو و یمن مشهود است. درگیری‌ها بیشتر از گذشته در محیط‌های شهری اتفاق می‌افتند. در این شکل از درگیری خسارتی در مقیاس بزرگ به زیرساخت‌های عمومی وارد می‌شود که آثاری بلندمدت روی زندگی خانواده‌ها و جوامع محلی به جا می‌گذارند. زخم‌های عاطفی و روانی ناشی از خشونت‌ها نیز بسیار کمتر به چشم می‌آید.

دلایل اصلی خشونت‌ها هم به شکلی فراینده هم‌پوشانی دارد. نبود مرزی مشخص بین خشونت‌های سیاسی و جنایی نیز مانع اقدامات بشردوستانه‌ای می‌شود که معمولاً در جاهایی باید اجرا شود که وجه مشخصه آنها «تروریسم» و مبارزه با تروریسم است. همه این عوامل به ایجاد محیط عملیاتی پیچیده‌ای منجر می‌شود که در آن چارچوب‌های قانونی مانند حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر بین‌المللی به چالش کشیده می‌شوند؛ به‌ویژه از سوی کسانی که سعی دارند استانداردهای موجود برای رعایت و اجرای قانسون را ارتزاد دهند. این به معنای اهمیت تمرکز بر حمایت و پیشگیری است؛ ازجمله با اقدام بشردوستانه به منظور تأثیرگذاری بر رفتار افراد. تغییرات اقلیمی نیز بر زندگی مردم سراسر جهان اثر گذاشته و کماکان خواهد گذاشت. این امر می‌تواند موجب تشدید تنش‌های اجتماعی شده و خطرات و نقصان‌های اقتصادی و زیست‌محیطی را افزایش دهد. در خیلی جاها مانند منطقه ساحل آفریقا، پیوند بین درگیری و تغییرات اقلیمی به آسیب‌پذیری بیشتر منجر شده است. درگیری‌های داخلی هم الگوهای پیچیده‌ای از مهاجرت و آوارگی را رقم زده و منجر به بی‌ثباتی منطقه شده‌اند. برای مثال، شرایط در مالی، میانمار و سوریه همچنان بر کشورهای همسایه آنها اثر می‌گذارد. میلیون‌ها نفر نیز در سراسر جهان و بیشتر در داخل کشور خود، به دلیل درگیری و دیگر شرایط آواره می‌شوند.

میلیون‌ها نفر هم به کشورهای توسعه‌یافته یا دارای درآمدی متوسط پناه می‌برند. برای پاسخ‌گویی به نیازهای خاص مهاجران در طول مسیرهای عبوری، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با جمعیت‌های ملی در طول مرزها همکاری می‌کند تا دسترسی مهاجران به خدمات مراقبت‌های درمانی و بازپیوند خانواده تضمین شود. در ۲۰۱۸ ازآژانس‌های بشردوستانه باید به ضرورت‌های کوتاه‌مدت ناشی از خشونت‌های ناگهانی پاسخ می‌گفتند و در همان حال نیازهای بلندمدت را ارزیابی و برآورده می‌کردند. این امر برای مثال، به معنای بهسازی سیستم‌های آب‌رسانی و دیگر زیرساخت‌های شهری، ایجاد دسترسی به خدماتی مانند درمان و آموزش، استفاده از نقل و انتقالات مالی برای کمک به مردم برای برآورده‌کردن نیازهای اساسی خود و کمک به مردم برای شروع کسب‌وکارهای کوچک و در نتیجه بهبود وضعیت اقتصادی آنان بود. در میان تحولات پیچیده‌ای که در مخاصمات به وجود آمده و فقدان طولانی‌مدت امنیت، اتخاذ رویکردی مردم‌محور به منظور افزایش میزان تاب‌آوری و بهبود وضع معیشت مردم عاملی کلیدی به حساب می‌آید.